

## توصیه های قرآنی امام جواد (ع)

مینا شمخی\*

نصره باجی\*

### چکیده

امامان معصوم<sup>(ع)</sup> که بعد از رسول خدا<sup>(ص)</sup> حجت خدا و جانشین ایشان به شمار می روند، آشناترین افراد به تفسیر قرآن می باشند. براین اساس اگر بخواهیم کلام وحی را معنا کنیم، اول باید به سراغ امامان معصوم<sup>(ع)</sup> برویم. با توجه به این نکته در این نوشتار سعی شده است که بیانات و مفاهیم قرآنی از سیره و سخن امام جواد<sup>(ع)</sup> استخراج شود تا با پیروی از شیوه تبلیغی آن حضرت در عرضه مطالب بلند و حیانی، با برخی از معانی آیات الهی نیز آشنا شویم. این موضوعات شامل روایات ایشان درباره قرائت قرآن، تفسیر قرآن و همچنین آیات و سوره هایی که امام<sup>(ع)</sup> در نماز می خواندند و به خواندن آن ها در نماز و دعا امر می کردند، می باشد.

**کلید واژه ها:** امام جواد<sup>(ع)</sup>، قرآن، تفسیر، سیره.

\* استاد یار دانشگاه شهید چمران.

\* دانش آموخته دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشجوی دکتری دانشگاه کاشان.

یکی از ابعاد بزرگ زندگی ائمه<sup>(ع)</sup> ما، بُعد فرهنگی آن است. این پیشوایان بزرگ هر کدام در عصر خود فعالیت فرهنگی داشته در مکتب خویش شاگردانی تربیت می‌کردند و علوم و دانش‌های خود را توسط آنان در جامعه منتشر می‌کردند، اما شرایط اجتماعی و سیاسی زمان آنان یکسان نبوده است، مثلاً در زمان امام باقر<sup>(ع)</sup> و امام صادق<sup>(ع)</sup> شرایط اجتماعی مساعد بود و به همین جهت تعداد شاگردان و راویان حضرت صادق<sup>(ع)</sup> بالغ بر چهار هزار نفر می‌شد، ولی از دوره امام جواد<sup>(ع)</sup> تا امام عسکری<sup>(ع)</sup> به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت آنان بسیار محدود بود و از این نظر تعداد راویان و پرورش یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان حضرت صادق<sup>(ع)</sup> کاهش بسیار چشمگیری را نشان می‌دهد. بنابراین اگر می‌خوانیم که تعداد راویان و اصحاب حضرت جواد<sup>(ع)</sup> قریب صد و ده نفر بوده‌اند.<sup>۱</sup> و جمعا ۲۵۰ حدیث از آن حضرت نقل شده،<sup>۲</sup> نباید تعجب کنیم، زیرا از یک سو، آن حضرت شدیداً تحت مراقبت و کنترل سیاسی بودند و از طرف دیگر، زود به شهادت رسیدند و به اتفاق دانشمندان بیش از بیست و پنج سال عمر نکردند. با این وجود از بین احادیث ایشان تعداد قابل توجهی درباره قرآن و تفسیر آن می‌باشد. حضرت در سال ۱۹۵ هجری در مدینه به دنیا آمده‌اند.<sup>۳</sup> در خانواده امام رضا<sup>(ع)</sup> و در محافل شیعه، از حضرت جواد<sup>(ع)</sup>، به عنوان مولودی پر خیر و برکت یاد می‌شد.

چنان که «أبویحیای صنعانی» می‌گوید: روزی در محضر امام رضا<sup>(ع)</sup>، فرزندش أبوجعفر را که خردسال بود، آوردند. امام فرمود: «این مولودی است که برای شیعیان ما، با برکت تراز او زاده نشده است».<sup>۴</sup>

مشهورترین لقب امام، «جواد» است و القاب دیگری همچون: زکی، مرتضی، قانع، رضی، مختار، متوکل، منتجب نیز برای آن حضرت برشمرده‌اند. کنیه اش أبوجعفر است که معمولاً در روایات تاریخی أبوجعفر ثانی ذکر می‌شود تا با أبوجعفر اول، یعنی: حضرت باقر<sup>(ع)</sup> اشتباه نشود.<sup>۵</sup>

### قرآن در سیره امام جواد<sup>(ع)</sup>

حضرت جواد<sup>(ع)</sup> بر این باور بود که آیات الهی باید در جامعه فراگیر شود و تمام

مسلمانان در گفتار و رفتار و استدلال‌های روزمره خود از قرآن و معارف بلند آن بهره گیرند، به همین جهت سعی می‌کرد که در گفت‌وگوها و معاشرت و برخورد با مردم از آیات قرآن استفاده کند. داستان زیرنمونه‌ای از این حقیقت است.

حضرت جواد<sup>(ع)</sup> در داشتن تمام صفات زیبای اخلاقی و انسانی سرآمد خوبان روزگار بود. پارسایی، علم و دانش و بخشندگی اش موجب شده بود که با القاب جواد، تقی، مرتضی و منتجب شناخته شود. قاسم بن محسن می‌گوید: در سفری که به مکه رفته بودم در راه به شخص ضعیف و مستحقی برخورد کردم، از من چیزی خواست و من هم يك قرص نان به او صدقه دادم، سپس به راه خود ادامه دادم، در راه گردباد تندی وزید و عمامه‌ام را با خود برد. من هرچه تلاش کردم نفهمیدم که به کدام سمت برد. هنگام بازگشت در مدینه به حضور امام جواد<sup>(ع)</sup> رفتم، امام<sup>(ع)</sup> به من فرمود: «ای قاسم! عمامه‌ات را در راه باد با خودش برد؟» گفتم: بلی. امام<sup>(ع)</sup> به خادم خود فرمود: «برو عمامه قاسم را بیاور» و او عیناً عمامه خودم را برایم آورد. من با شگفتی تمام به حضرت عرضه داشتم: ای پسر رسول خدا! این عمامه چگونه به دست شما رسید. امام<sup>(ع)</sup> پاسخ داد: «تو در راه به مستمندی صدقه دادی و خداوند احسان تو را پذیرفت و به شکرانه آن، عمامه‌ات را به تو برگرداند». حضرت جواد<sup>(ع)</sup> در ادامه سخن خویش این آیه را قرائت کرد: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (التوبة، ۹/۱۲۰)؛ «خداوند متعال مطمئناً پاداش نیکوکاران را ضایع و تباه نمی‌سازد».<sup>۶</sup>

نمونه دیگر، از قاسم بن عبدالرحمن به مذهب زیدیه گرایش داشت، اما با شنیدن آیاتی از قرآن که امام جواد<sup>(ع)</sup> برای وی قرائت کرد، با حقیقت آشنا شده و به امامت امام جواد<sup>(ع)</sup> و سائر ائمه<sup>(ع)</sup> اعتقاد پیدا کرد. او در این مورد می‌گوید: من زمانی به مذهب زیدیه تمایل داشتم تا این که به بغداد سفر کردم و مدتی آنجا بودم، در همان ایام روزی در یکی از خیابان‌های بغداد، دیدم مردم با شور و شوق وصف ناپذیری به يك نقطه معلومی متوجه هستند؛ بعضی می‌دوند، بعضی بالای بلندی‌ها می‌روند، بعضی ایستاده و آن جا را تماشا می‌کنند. پرسیدم: چه خبر است؟ گفتند: ابن الرضا<sup>(ع)</sup>، حضرت جواد<sup>(ع)</sup> فرزند امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌آید. گفتم: من هم باید او را ببینم. تا آن که حضرت جواد<sup>(ع)</sup> سوار بر مرکب نمایان شد. من همچنان که به او خیره شده بودم، پیش خودم گفتم: خداوند گروه‌ای را از رحمت خود دور کند، آن‌ها اعتقاد دارند که پروردگار متعال، اطاعت

این جوان را بر مردم واجب گردانیده است! همین که این اندیشه در ذهن من خطور کرد، آن حضرت راهش را به سوی من کج کرد و روبه من کرده، این آیه را قرائت کرد: ﴿فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُغْرٍ﴾ (القمر، ۵۴ / ۲۴)؛ «[قوم ثمود گفتند: آیا ما بشری از جنس خود را پیروی کنیم؟ در این صورت مادر گمراهی و جنون خواهیم بود]» با شنیدن این آیه - که از دل من گواهی می داد - با خود اندیشیدم که: مثل این که او ساحر و پیشگو است که از اندیشه های نهانی من خبر می دهد؟ حضرت جواد<sup>(ع)</sup> دوباره مرا خطاب کرده و این آیه را تلاوت فرمود: ﴿أَلْقِي الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشْرٌ﴾ (القمر، ۵۴ / ۲۵)؛ «آیا از میان ما تنها برای او وحی نازل شده؟! نه، بلکه او آدم بسیار دروغگو و خودپسندی است». وقتی که متوجه شدم حضرت<sup>(ع)</sup> واقعا از اندیشه های قلبی من خبر می دهد و این برای افراد عادی ممکن نیست، فهمیدم که او ولی خدا و امام مسلمین است. بعد از آن از مذهب زیدیّه دست برداشته، اعتقاد به آن بزرگوار کامل شد و به امامت حضرتش اقرار کرده و اعتراف نمودم که او حجت خدا بر مردم است.<sup>۷</sup>

### بیانات قرآنی امام جواد<sup>(ع)</sup>

این بیانات که شامل ۶ عنوان می باشد، در ذیل به آن ها پرداخته می شود:

#### ۱. قرائت قرآن:

#### فضیلت قرائت قرآن:

حضرت جواد<sup>(ع)</sup> فرمود: «ما اجتمع رجالان الا كان افضلهما عند الله ادبهما». فقيل يابن رسول الله قد عرفنا فضله عند الناس فما فضله عند الله؟ فقال: «بقراءة القرآن كما أنزل و يروى حديثنا كما قلنا و يدعوا الله مغرمًا بدعائه؛ هرگاه دو نفر در يك جا باشند آن کس که ادبش بیشتر است، برتری و بزرگواریش نزد خداوند بیشتر است». عرض کردند: یا بن رسول الله برتری و بزرگواری شخص با ادب در پیش مردم هویداست بفرماید در نزد خدا به چه چیز فضیلت پیدا خواهد کرد؟ فرمود: «به قرائت قرآن آنچنان که نازل شده و نقل نمودن احادیث ما همان طور که می گوئیم و کوشش داشته باشد و خدا را بخواند، و خود را به او بدهکار بداند».<sup>۸</sup>

## آثار خواندن سوره های مبارکه «نوح» و «قدر»:

کلینی روایت کرده است: [عن] اَبی عمرو الحدّاء قال: ساءت حالى فکتبت إلى اَبی جعفر<sup>(ع)</sup> فکتب إلىّ: «أدم قراءة ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ﴾». قال فقرأتها حولاً فلم أر شيئاً فکتبت إليه أخبره بسوء حالى وأنى قد قرأت ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ﴾ حولاً كما أمرتنى ولم أر شيئاً؟ قال: فکتب إلىّ: «قد وفى لك الحول فانتقل منها إلى قراءة ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾». قال: ففعلت فما كان إلا يسيراً حتى بعث إلىّ ابن اَبی داود فقضى عنى دینى وأجرى علىّ وعلى عیالى ووجهنى إلى البصيرة فى وکالته بباب کلاء وأجرى علىّ خمسمائة درهم وکتبت من البصيرة على یدى علىّ بن مهزیار إلى اَبی الحسن<sup>(ع)</sup> إتیّی كنت سألت اَباک عن کذا وکذا و شکوت إليه کذا وکذا وإتیّی قد نلت الذى أحببت فأحببت أن تخبرنى یا مولای کیف أصنع فى قراءة ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ أقتصر علیها وحدها فى فرائضى و غيرها أم أقرأ معها غيرها أم لها حدّ أعمل به؟ فوقع<sup>(ع)</sup>، وقرأت التّوقيع: «لا تدع من القرآن قصيرة وطويلة و یجزئک من قراءة ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ یومک و لیلتک مائة مرّة»؛ حدّاء گفت: حال و روز بدی پیدا کردم، لذا نامه‌ای به امام جواد<sup>(ع)</sup> نوشتم، و از حضرت چاره خواستم؟ حضرت در جوابم نوشتند: «مداومت کن بر خواندن سوره نوح». سپس این سوره مبارکه را یک سال خواندم و نتیجه‌ای نگرفتم. دوباره به حضرت نامه نوشتم و حال بدم را گوشزد نمودم و این که به دستور شما، یک سال تمام سوره مبارکه نوح را خواندم و گشایشی ندیدم. اَبو عمرو گفت: در جوابم نوشتند: «البته یک سال خود را کامل کردی، بنابراین به جای سوره نوح، سوره مبارکه «قدر» را بخوان». او گفت: به خواندن سوره قدر، پرداختم و چیزی نگذشت که ابن اَبی داود، قاصدی نزد فرستاد و قرضم را ادا کرد و برای من و خانواده‌ام، مقرری تعیین نمود و مرا رهسپار بصره ساخت و در محله «باب کلا» نمایندگی داد و پانصد درهم به من بخشید و من از بصره، توسط علی بن مهزیار نامه‌ای با این مضمون خدمت امام هادی<sup>(ع)</sup> فرستادم که: من از پدر بزرگوارتان چنین و چنان پرسیدم و از چنان و چنین شکایت نمودم و همانا من به خواسته خود رسیده‌ام، اکنون ای آقا و مولای من! دوست دارم مرا در مورد خواندن سوره قدر و این که در نمازهای واجب و مستحب خود به خواندن آن اکتفا کنم، یا سوره‌های دیگر را نیز بخوانم، یا دستور خاصی وجود دارد که باید بدان عمل نمایم، راهنمایی ام فرمائید، حضرت «توقیعی» صادر فرمود، در آن توقیع شریف خواندم که: «سوره‌های کوتاه و بلند

قرآن را رها مساز و خواندن یکصد مرتبه سوره قدر در هر شبانه روز، تورا کافی است».<sup>۹</sup> هم چنین در حدیث دیگری از کلینی به این مضمون آمده:

از اسماعیل بن سهل روایت شده که گفت: نامه ای به امام جواد<sup>(ع)</sup> نوشتم که گرفتار قرض سنگین و کمرشکنی شده‌ام؟ حضرت در جوابم نوشتند: «زیاد «استغفار» کن و زبان خود را به خواندن سوره قدر، مرطوب ساز [آن را فراوان بخوان].»<sup>۱۰</sup>

### بسمله جزئی از سوره‌های قرآن:

یحیی بن ابی عمران همدانی گوید: کتبت إلى أبي جعفر<sup>(ع)</sup> جعلت فداک ما تقول فی رجل ابتدأ ب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فی صلاته وحده فی امّ الكتاب فلما صار إلى غیر امّ الكتاب من السورة ترکها فقال العباسی لیس بذلک بأس؟ فکتب بخطه: «یعیدها مرتین علی رغم أنفه یعنی العباسی»؛ به امام باقر<sup>(ع)</sup> نوشتم فدایت شوم! درباره مردی که نمازش را با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع کرده و آن را فقط به سوره حمد محدود نموده و وقتی به سوره‌ای غیر از سوره حمد می‌رسد، بسم الله را ترک می‌کند، چه می‌فرمایید؟ خلیفه عباسی گفته اشکالی ندارد! امام<sup>(ع)</sup> با خط خودش نوشت: «باید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را تکرار کند»، - یعنی: برای هر سوره جداگانه ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ را بخواند - برخلاف میل او، یعنی خلیفه عباسی».<sup>۱۱</sup>

### قرائت قرآن در طواف فریضه:

از محمد بن فضیل روایت شده است که گفت: إنّه سأل محمّد بن علی الرضا<sup>(ع)</sup> فقال له سعیت شوطاً ثمّ طلع الفجر؟ قال: «صلّ ثمّ عدّ فأتّمّ سعیک و طواف الفریضة لا ینبغی أن یتکلّم فیہ إلا بالدعاء و ذکر الله و قراءة القرآن...»؛ او از محمّد بن علی بن رضا<sup>(ع)</sup> سؤال کرد که: یک شوط از سعی را انجام داده‌ام، و پس از آن سپیده بدمید، در این حال باید چه کنم؟ امام فرمود: «نماز را به جای آور، و آن گاه باز آی و سعیت را تمام کن و شایسته نیست که در طواف فریضه سخنی گفته شود مگر به دعا و قرائت قرآن و...».<sup>۱۲</sup>

## ۲. تفسیر قرآن:

این روایات شامل چهل و یک موضوع می‌باشد که در این جا فقط به سه مورد اشاره می‌شود:

اول: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ

أَبْنَاءَهُمْ أَوْ أُخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿المجادلة، ۵۸، ۲۲﴾؛ «هرگز مردمی را که ایمان به خدا و روز قیامت آورده‌اند چنین نخواهی یافت که دوستی با دشمنان خدا و رسول او کنند هرچند آن دشمنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان آن‌ها باشند. این مردم پایدارند که خدا بر دل‌هاشان [نورا] ایمان نگاشته و به روح [قدسی] خود آن‌ها را مؤید و منصور گردانیده و آن‌ها را به بهشتی داخل کند که نهرها زیر درختانش جاری است و جاودان در آن جا متنعمند، خدا از آن‌ها خشنود و آن‌ها هم از خدا خشنوند، اینان به حقیقت حزب خدا هستند، آلا [ای اهل ایمان] بدانید که حزب خدا رستگاران عالمند».

احمد بن محمد بن ابی نصر از امام جواد<sup>(ع)</sup> روایت می‌کند که فرمود: «لا لوم علی من أحبّ قومه وإن كانوا کفّاراً» قال فقلت له: فقول الله: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ [المجادلة، ۵۸، ۲۲]؟ فقال: «ليس حيث تذهب إنّه يبغضه في الله ولا يوادّه ولا يأكله ولا يطعمه غيره من الناس»؛ «کسی که افراد قوم و قبيله خود را دوست بدارد سزاوار ملامت نیست، اگرچه قوم او کافر باشند».

گفتم: این آیه شریفه را چگونه تفسیر می‌کنید که می‌فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...﴾ امام<sup>(ع)</sup> فرمود: «این گونه که تومی پنداری نیست، بلکه مقصود آیه توصیه به دوستی در راه خدا با دوستان خدا، و دشمنی با دشمنان خدا است».<sup>۱۳</sup>

دوم: ﴿وَبَيْنَهُمَا حَبَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ﴾ [الأعراف، ۷، ۴۶]؛ «و میان آن دو [گروه] حایلی است و بر اعراف مردانی هستند که هر یک [از آن دو دسته] را از سیمایشان می‌شناسند و بهشتیان را که هنوز وارد آن نشده [الی بدن] امید دارند آواز می‌دهند که سلام بر شما».

عباد بن سلیمان از سعد بن سعد روایت می‌کند که گفت: سألت أبا جعفر<sup>(ع)</sup> من هذه الآية ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾؟ فقال: «هم يا سعد الأئمة من آل محمد (ص)»؛ از این آیه از ابا جعفر سؤال کردم: «و بر اعراف مردانی هستند که هر یک [از آن دو دسته] را از سیمایشان می‌شناسند»؟ فرمود: «آن‌ها ائمه از آل محمد (ص) می‌باشند».<sup>۱۴</sup>

**سَوْم: «أُولَى لَكَ فَأُولَى \* ثُمَّ أُولَى لَكَ فَأُولَى»** (القيامة، ۳۴-۳۵)؛ «عذاب الهی برای تو شایسته تراست، شایسته ترا!، سپس عذات الهی برای تو شایسته تراست، شایسته تر». عبدالعظیم حسنی از امام جواد<sup>(ع)</sup> روایت می کند:

سألت محمّد بن علی الرضا<sup>(ع)</sup> عن قوله عزّوجلّ: «أُولَى لَكَ فَأُولَى لَكَ فَأُولَى»؟ قال: «يقول الله عزّوجلّ بعداً لك من خير الدنيا بعداً وبعداً لك من خير الآخرة»؛ عبدالعظیم حسنی از امام جواد<sup>(ع)</sup> درباره آیه شریفه: «أُولَى لَكَ فَأُولَى \* ثُمَّ أُولَى لَكَ فَأُولَى» پرسید: تفسیر آن چیست؟ امام<sup>(ع)</sup> فرمود: «خداوند به او می فرماید: خیر دنیا از تو دور باد، و خیر آخرت از آن دورتر باد».<sup>۱۵</sup>

### ۳. آیات و سوره هایی که امام در نماز می خواندند:

#### در نماز مغرب:

از ریان بن شیبب روایت شده که گفت: فقرأ فی الأوّلی «الْحَمْدَ» وَ «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» وَ قرأ فی الثانیة «الْحَمْدَ» وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»...؛ امام در رکعت اول «الْحَمْدَ» وَ «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» وَ در رکعت دوم «الْحَمْدَ» وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را می خواند.<sup>۱۶</sup>

#### در نماز هرماه:

از الوشاء یعنی: حسن بن بنت الیاس الخزاز روایت شده: کان أبو جعفر محمّد بن علی<sup>(ع)</sup> إذا دخل شهر جدید یصلی أوّل یوم منه رکعتین یقرأ فی أوّل رکعة «الْحَمْدَ» وَ مِرّة وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» لکل یوم إلى آخره وَ فی الرکعة الأخری «الْحَمْدَ» وَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» مثل ذلك...؛ امام جواد<sup>(ع)</sup> هنگامی که وارد ماه جدید می شدند، در روز اول آن دو رکعت نماز می خواندند. در رکعت اول سوره حمد و توحید برای هر روز تا آخر آن؛ یعنی: سوره توحید سی مرتبه، و در رکعت دوم سوره حمد و قدر مثل همان.<sup>۱۷</sup>

#### در نوافل مغرب:

... از ابی سعید آدمی مرفوعاً از ابی الحسن و ابی جعفر<sup>(ع)</sup> روایت شده: «أنهما كانا یقرءان فی الرکعتین الثالثة و الزابعة من نوافل المغرب فی الثالثة «الْحَمْدَ» وَ أوّل «الْحَدِيدِ» إلى «عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» وَ فی الزابعة «الْحَمْدَ» وَ آخر «الْحَشْرُ»؛ آن ها [دو امام: رضا<sup>(ع)</sup> و جواد<sup>(ع)</sup>] در رکعات سوم و چهارم نوافل مغرب در سومی «الْحَمْدَ» وَ اول سوره «الْحَدِيدِ» تا «عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و در چهارمی «الْحَمْدَ» وَ آخر «الْحَشْرُ» قرائت می فرمودند».



#### ۴. آیات و سوره‌هایی که امام (ع) به خواندن آن‌ها در نماز امر کردند:

در نماز شب بیست و هفتم ماه رجب:

از حضرت امام جواد (ع) روایت شده که: «إِنَّ فِي رَجَبٍ لَيْلَةَ [الليلة] هِيَ خَيْرٌ لِلنَّاسِ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَهِيَ لَيْلَةُ سَبْعٍ وَعَشْرِينَ مِنْهُ ...». قال: «إِذَا صَلَّيْتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَأَخَذْتَ مِضْجِعَكَ ثُمَّ اسْتَيْقِظْتَ أَيَّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّيْلِ كَانَتْ قَبْلَ زَوَالِهِ أَوْ بَعْدَهُ صَلَّيْتَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً بَاثِنْتَيْ عَشْرَةَ سُورَةَ مِنْ خِطَفِ الْمَفْصَلِ مِنْ بَعْدِ «يَس» إِلَى «الْحَمْدِ». فَإِذَا فَرَّغْتَ بَعْدَ كُلِّ شَفْعٍ جَلَسْتَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَقَرَأْتَ «الْحَمْدَ» سَبْعاً وَ «الْمُعَوِّذَتَيْنِ» سَبْعاً وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» سَبْعاً وَ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» سَبْعاً وَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» سَبْعاً وَ «آيَةَ الْكُرْسِيِّ» سَبْعاً...؛ در ماه رجب شبی است که برای مردم از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد بهتر است و آن، شب بیست و هفتم رجب است...». فرمود: «هرگاه نماز عشا را خواندی و در رختخواب جای گرفتی و در هر ساعت از شب - خواه پیش از نیمه شب و یا بعد از آن - از خواب برخاستی، دوازده رکعت نماز بخوان، در هر رکعت دوازده سوره از سوره‌های کوچک از سوره‌های «مفصل»، یعنی بعد از سوره «یس» تا سوره «حمد» را بخوان و زمانی که بعد از هر دو رکعت نشست و سلام دادی، سوره «حمد»؛ دو سوره معوذتین؛ سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»؛ سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»؛ سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و آیه الکرسی هر کدام را هفت بار بخوان».<sup>۱۹</sup>

در نماز روز نیمه و روز بیست و هفتم ماه رجب:

ریان بن صلت روایت کرده: صام أبو جعفر الثانی (ع) لَمَّا كَانَ بِبَغْدَادَ - يَوْمَ التَّصَفِّ مِنْ رَجَبٍ وَ يَوْمَ سَبْعٍ وَ عَشْرِينَ مِنْهُ وَ صَامَ جَمِيعَ حَشْمِهِ وَ أَمَرْنَا أَنْ نَصَلِّيَ الصَّلَاةَ الَّتِي هِيَ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَكْعَةً تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ «الْحَمْدَ» وَ سُورَةَ، فَإِذَا فَرَّغْتَ؛ قَرَأْتَ «الْحَمْدَ» أَرْبَعاً وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» أَرْبَعاً وَ «الْمُعَوِّذَتَيْنِ» أَرْبَعاً؛ أَبُو جَعْفَرٍ ثَانِي أَنْ زَمَانَ كَمَا فِي «بَغْدَادَ» بَدَأَ، رَوْزَ نِيْمَةٍ وَ نِيْزِ رَوْزِ بِيْسْتِ وَ هَفْتَمِ رَجَبٍ رَا رَوْزَةَ كَرَفْتِ وَ هَمَّةُ خَادِمَانِ أَوْ نِيْزِ رَوْزَةَ كَرَفْتَنْدِ وَ بَه مَا دَسْتُورِ دَادَ كَمَا دَوَاذَهُ رَكْعَتِ نِمَازِ بَخَوَانِيْمِ، دَرِ هَرِ رَكْعَتِ «الْحَمْدَ» وَ يَكُ سُورَةَ بَه دَلْخَوَاةِ وَ هَنْكَامِي كَمَا نِمَازِ رَا بَه پَايَانِ بَرْدِي، هَرِيكُ مِنْ سُورَةِ هَايِ «الْحَمْدَ»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ دَو سُورَةَ «مُعَوِّذَتَيْنِ» رَا چَهَار بار بخوان.<sup>۲۰</sup>

در نماز حرز معروف به حرز امام جواد (ع):

أَبُو نَصْرٍ هَمْدَانِي كَمَا يُقَالُ: حَكِيمَةٌ دَخْتَرِ امَامِ جَوَادِ (ع) عَمَةُ امَامِ عَسْكَرِي (ع) كَمَا قَالَتْ: ... قَالَ

أبو جعفر محمد بن علي الرضا<sup>(ع)</sup>: «يا أمير المؤمنين! ... عندي عقدٌ تحصّن به نفسك و تحرز به من الشرور و البلايا و المكاره ... و ليصل أربع ركعاتٍ يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرةً و سبع مراتٍ آية الكرسي و سبع مراتٍ «شَهِدَ اللهُ» و سبع مراتٍ «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا» و سبع مراتٍ «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» و سبع مراتٍ «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ...»؛ امام محمد بن علي<sup>(ع)</sup> به مأمون گفت: «نزد من حرزی است که با آن خود را محافظت کن، و از شرور و بلاها و آفت‌ها و بیماری‌ها در امان بمان ... و چهار رکعت نماز بگزار، در هر رکعت یک بار سوره حمد و هفت بار آیه الكرسي، و هفت بار سوره شمس، و هفت بار سوره لیل، و هفت بار سوره توحید را بخواند.»<sup>۲۱</sup>

## ۵. آیات و سوره‌هایی که امام<sup>(ع)</sup> در دعاها می‌خواندند:

### دعای حجاب امام جواد<sup>(ع)</sup>:

«الْخَالِقُ أَكْثَمُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَ الرَّازِقُ أَبْسَطُ يَدًا مِنَ الْمَرْزُوقِينَ وَ نَارُ اللهِ الْمُؤَصَّدَةُ ﴿فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ﴾ [الهمزة، ۹/۱۰۴] تَكِيدُ أَفئِدَةَ الْمَرْدَةِ وَ تَرُدُّ كَيْدَ الْحَسَدَةِ بِالْأَقْسَامِ بِالْأَحْكَامِ بِاللُّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَ الْحِجَابِ الْمَضْرُوبِ بَعْرَشِ رَبِّنَا الْعَظِيمِ اِحْتَجَبْتُ وَ اسْتَتَرْتُ وَ اسْتَجَرْتُ وَ اعْتَصَمْتُ وَ تَحَصَّنْتُ بِ﴿الم﴾ وَ بِ﴿كهيعص﴾ وَ بِ﴿طه﴾ وَ بِ﴿طسم﴾ وَ بِ﴿حم﴾ وَ بِ﴿حم عسق﴾ وَ ﴿ن﴾ وَ بِ﴿طس﴾ وَ بِ﴿ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ﴾ [ق، ۱۷/۵۰] «وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ» [الواقعه، ۷۶/۵۶] وَ اللهُ وَليي ﴿وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ [آل عمران، ۱۷۳/۳]؛ آفریننده بزرگتر از آفریدگان است، و روزی دهنده دست بازتر از روزی خورهاست، و آتش در بسته خدا، در ستون‌های کشیده شده، دل‌های سرکشان را آتش زند، و بد اندیشی حسودان را بازگرداند، به سوگندها، به احکام، به لوح محفوظ، و پرده زده شده، به عرش عظیم پروردگار، در پرده شدم، و خود را پوشاندم، و پناه جستم، و چنگ زدم، و پناهنده گشتم به «الم...» و «ق» وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ، به درستی که آن [اگر می‌دانستید] سوگند بزرگی است و خدا سرپرست من است و نیکو و کیلی است.»<sup>۲۲</sup>

### عوذات روزهای هفته:

#### عوذة روز یکشنبه:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... وَ اِحْتَجِبُ بِاللهِ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا» [الفرقان، ۶۱/۲۵] وَ زَيْنَهَا لِلنَّاطِرِينَ وَ حَفِظَهَا مِنْ كُلِّ

شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَجَعَلَ فِي الْأَرْضِ رِوَاسِي جِبَالًا أَوْتَادًا أَنْ يَوْصَلَ إِلَيَّ بِسُوءٍ أَوْ فَاحِشَةٍ أَوْ بِلَيْتَةٍ -  
 حَمِّ حَمِّ حَمِّ تَنْزِيلٍ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - حَمِّ حَمِّ حَمِّ عَسَقَ كَذَلِكَ يُوْحِي إِلَيْكَ وَإِلَى  
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا؛ و  
 به نام خدائی که بین دو دریا حائلی قرار داد، «و به خدایی که در آسمان ستارگان را قرار  
 داد، و در آن چراغ و ماهی نور دهنده مستقر کرد»، و آن را برای بینندگان تزیین نمود، و از  
 هر شیطان رانده شده محافظت کرد، و در زمین کوه های استواری را قرار داد، خود را در  
 حجاب قرار می دهد که به من بدی یا زشتی یا بلایی را متوجه سازد. حَمِّ، حَمِّ، حَمِّ،  
 از جانب خدای مهربان بخشنده نازل شده است، حَمِّ، حَمِّ، حَمِّ، حَمِّ، عَسَقَ، این گونه به تو  
 و به کسانی که قبل از تو بودند خدای گرامی و حکیم وحی فرمود، و درود و سلام خدا بر  
 محمد و خاندانش باد». ۲۳

#### عوده روز سه شنبه:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْأَكْبَرِ... وَ «خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ» [فصلت، ۴۱/۹]،  
 «وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا» [فصلت، ۴۱/۱۰]؛ به نام خداوند بخشنده مهربان، جانم را پناه می دهد به  
 خدای بزرگ، پروردگار آسمان های بدون ستون برافراشته شده، و «به آن که آن ها را در دو  
 روز آفرید»، و «در آن روزی ها را مقدر کرده». ۲۴

#### عوده روز چهارشنبه:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أُعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، «وَمِنْ سَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ...»؛ به  
 نام خداوند بخشنده مهربان، خود را پناه می دهد به یگانه ای بی نیاز «از شر درمنده ها  
 در گره ها». ۲۵

#### عوده روز پنجشنبه:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أُعِيدُ نَفْسِي بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ ... «وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ  
 مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُظْهِرَكُمْ بِهِ وَيُبْهِبَ عَنْكُمْ رَجْرَجَ الشَّيْطَانِ وَيَلْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ  
 الْأَقْدَامَ» [الأنفال، ۱۱/۸]، «ارْكُضْ بِرَجْلِكَ هَذَا مَغْسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ» [ص، ۳۸/۴۲]، «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ  
 مَاءً طَهُورًا \* لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْاسِي كَثِيرًا» [الفرقان، ۲۵/۴۸-۴۹]، «الآنَ  
 خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ» [الأنفال، ۸/۶۶]، «ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ» [البقرة، ۲/۱۷۸]، «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ  
 يُخَفِّفَ عَنْكُمْ...» [النساء، ۴/۲۸]، «فَسَيَكْفِيكُمْ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» [البقرة، ۲/۱۳۷]؛ به نام  
 خداوند بخشنده مهربان، جانم را پناه می دهد به پروردگار مشرق ها و مغرب ها از هر

شیطان رانده شده، و ایستاده و نشسته، دشمن و حسود و کینه توز، و «خداوند از آسمان بر شما آب می فرستد تا شما را با آن پاک کند، و ناپاکی شیطان را از شما بزداید، و قلب هایتان را استحکام بخشد، و گام هایتان را استوار کند»، «با پایت بر زمین بزن این نوشیدنی خنک و گواراست». «و از آسمان آبی پاک فرستادیم تا شهر مرده را با آن زنده کنیم، و از آنچه خلق کردیم حیوانات چهار پا و مردم بسیار را سیراب گردانیم»، و «هم اکنون خدا بر شما تخفیف روا داشت»، «این سبک کردن و رحمتی است از جانب پروردگار شما»، «خداوند می خواهد که بر شما سبک بگیرد»، «خداوند آنان را کفایت کرده و او شنوا و داناست».<sup>۲۶</sup>

### عوده روز جمعه:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، ... وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ ﴿أَخِذْ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [هود، ۱۱/۵۶] وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا، به نام خداوند بخشنده مهربان، حرکت و نیرو و قدرتی نیست مگر به وسیله خدای بلند مرتبه، ... از شر هر جنبنده ای که تو زمام اختیارش را در دست گرفته ای البته پروردگار من [در کار بندگان] به راه راست است».<sup>۲۷</sup>

## ۶. آیات و سوره هایی که امام<sup>(ع)</sup> به خواندن آنها در دعاها امر کردند:

### در حرز امام جواد<sup>(ع)</sup>:

ابونصر همدانی گوید: حکیمه دختر امام جواد<sup>(ع)</sup> عمه<sup>(ع)</sup> امام عسکری<sup>(ع)</sup> گفت: «قال أبو جعفر محمد بن علی الرضا<sup>(ع)</sup> یا امیر المؤمنین [أی المأمون]! ... عندی عقد تحصن به نفسک و تحرز به من الشورور و البلیا و المکاره ... الْحِرْزُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَى آخِرِهَا - «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ» [الحج، ۲۲/۶۵]؛ حرز این است: به نام خداوند بخشنده مهربان، سپاس خدایی را سزاست که پروردگار جهانیان است، صاحب روز جزاست، تنها او را پرستیده و تنها از او کمک می خواهیم، ما را به راه راست هدایت کن، راه کسانی که به آنان نعمت داده ای نه راه آنانی که مورد غضب واقع شده اند و نه گمراهان. «آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخر

شما گردانید و کشتی در دریا به امر او حرکت می کند، و آسمان را نگاه داشته که جز با اذن او بر زمین سقوط نکند، به درستی که خداوند نسبت به مردم مهربان و بخشنده است.»<sup>۲۸</sup>

### در تعقیب نماز فجر:

محمد بن فرج گوید: آن حضرت این دعا را برای من نوشت و به من یاد داد و فرمود: «هر که بعد از نماز صبح این دعا را بخواند هر حاجتی بخواهد اجابت شده و خداوند کارهای مهمش را کفایت می کند: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ \* فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَّرُوا» [غافر، ۴۰/۴۶-۴۴]، «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ \* فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ وَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» [الأنبياء، ۲۱/۸۸-۸۷]، «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ \* فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ» [آل عمران، ۳/۱۷۴-۱۷۳]، ... «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» [التوبة، ۹/۱۲۹] بنام خدا و درود خدا بر محمد و خاندانش، «و کارم را به خدا واگذار می کنم، به درستی که خدا به بندگانش بیناست، پس خداوند او را از زشتی مکرشان محافظت فرمود»، «معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی من از ستمکاران هستم، پس ما او را اجابت کرده و از غم نجاتش دادیم، و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم». «خدا ما را کافی بوده و بهترین نگاهبان است، با نعمت و فضل الهی بازگشتند و بدی به آنان نمی رسد»، «کافی است مرا خدایی که معبودی جز او نیست، بر او توکل کرده و او پروردگار عرش بزرگ است.»<sup>۲۹</sup>

### نتیجه گیری

شناخت بیانات و رهنمودهای ائمه<sup>(ع)</sup> در باب قرآن از اهمیت به سزایی برخوردار است. در میان طبقات ائمه امام جواد<sup>(ع)</sup> سنش کمتر از همه و قدر و شأنش اعظم است. همان گونه که اشاره شد آن حضرت شدیداً تحت مراقبت و کنترل سیاسی بود و از طرف دیگر، زود به شهادت رسید و به اتفاق دانشمندان بیش از بیست و پنج سال عمر نکرد، اما با این حال در زمینه بیانات قرآنی روایاتی در خور از ایشان نقل شده که در این پژوهش گردآوری شده، این روایات به ویژه شامل روایاتی در باره قرائت و تفسیر قرآن، همچنین آیات و سوره هایی که ایشان در نماز می خواندند و به خوانندش در نماز و دعا

امر می کردند، که نشانگر عنایت و ارتباط تنگاتنگ امام جواد<sup>(ع)</sup> به این کتاب مقدس می باشد.

۱. رجال «طوسی» / ۳۹۷-۴۰۹؛ مؤلف «مسند الامام الجواد» تعداد یاران و شاگردان امام جواد را ۱۲۱ نفر می داند؛ و قزوینی آن ها را جمعا ۲۵۷ نفر می داند، «الامام الجواد من المهدي الى اللحد».
۲. آقای عطاردی در «مسند الامام الجواد<sup>(ع)</sup>» با احصائی که کرده مجموع احادیث منقول از پیشوای نهم را در زمینه های مختلف فقهی، عقیدتی، اخلاقی، ...، تعداد مذکور در فوق ضبط کرده است.
۳. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه<sup>(ع)</sup> «جعفریان» / ۴۷۱.
۴. الإرشاد «مفید» / ۳۱۹؛ إعلام الوری بأعلام الهدی «طبرسی» / ۳۴۷؛ روضة الواعظین / ۲۶۱؛ الکافی، ۳۲۱/۱؛ كشف الغمة، ۳ / ۱۴۳.
۵. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه<sup>(ع)</sup> / ۴۷۲.
۶. الخرائج و الجرائح، ۳۷۷/۱؛ كشف الغمة، ۳۶۷ / ۲.
۷. كشف الغمة، ۳۶۷ / ۲.
۸. إرشاد القلوب «دیلمی»، ۱۶۰/۱.
۹. الکافی، ۳۱۶ / ۵.
۱۰. همان.
۱۱. همان، ۳ / ۳۱۳؛ التهذیب، ۶۹ / ۲.
۱۲. التهذیب، ۵ / ۱۲۷؛ الاستبصار، ۲ / ۲۲۷.
۱۳. السرائر، ۳ / ۵۷۶؛ وسائل الشیعة، ۱۶ / ۱۸۲.
۱۴. بصائر الدرجات، ۱ / ۵۰۰.
۱۵. عیون أخبار الرضا<sup>(ع)</sup>، ۲ / ۵۳؛ تفسیر الصافی، ۲ / ۲۵۷.
۱۶. الإرشاد «مفید»، ۲ / ۲۸۹؛ كشف الغمة، ۲ / ۳۵۸.
۱۷. مصباح المتهجد، ۲ / ۵۲۳.
۱۸. فلاح السائل / ۲۳۳؛ بحار الأنوار، ۸۴ / ۹۰.
۱۹. اقبال الأعمال «ابن طاووس»، ۲ / ۶۷۰.
۲۰. مصباح المتهجد، ۲ / ۸۱۴.
۲۱. مهج الدعوات / ۴۲؛ الأمان من اخطار / ۷۷.
۲۲. مهج الدعوات / ۳۰۰.
۲۳. مصباح المتهجد، ۲ / ۴۴۹.
۲۴. همان / ۴۶۸.
۲۵. الخرائج و الجرائح / ۱۰۱.
۲۶. همان / ۱۰۲.
۲۷. همان / ۱۰۳.
۲۸. مهج الدعوات / ۳۶.
۲۹. الکافی، ۲ / ۵۴۷.